

مقدمه مترجم

فلسفه ذهن حوزه‌ای از فلسفه است که با توجه به یافته‌های جدید علوم شناختی، به‌ویژه علوم اعصاب، ماهیت ذهن و رابطه آن با مغز را بررسی می‌کند. از جمله مسائل مورد بررسی فلسفه ذهن ماهیت آگاهی است. علوم شناختی، در سالهای اخیر، رازهای بیشتری را درباره نحوه کار مغز کشف کرده و نظریه‌هایی را برای تبیین نقش مغز در شناخت و آگاهی ارائه داده است. هر یک از مکاتب مختلف فلسفی، بر اساس مبانی خود، ماهیت آگاهی را بررسی کرده‌اند. مادیون یگانه‌انگار آن را پدیده‌ای صرفاً مادی می‌انگارند، ولی از آنجا که قادر نیستند آگاهی را صرفاً بر اساس مبانی مادی خود توضیح دهند به نظریه‌هایی چون کارکردگرایی، پدیدارگرایی، و شبه پدیدارگرایی متوسل شده‌اند تا به نحوی ناتوانی خود را در تبیین مادی پدیده آگاهی توجیه کنند. از سوی دیگر، دوگانه‌انگاران به دوگانگی مغز و ذهن معتقد هستند. آنها ذهن و آگاهی را پدیده‌ای غیر مادی و مغز را موجودیتی مادی می‌دانند. دوگانه‌انگاران نیز با سؤالات زیادی درباره ماهیت ذهن غیر مادی و نحوه تعامل آن با مغز مادی روبه‌رو هستند. نحوه پاسخگویی آنها به این سؤالات موجب شده است تا نحله‌های مختلفی در تاریخ فلسفه پدید آید. جالب آنکه، عده‌ای از فلاسفه نیز فقط به ذهن غیر مادی معتقدند، به طوری که واقعیت مادی خارجی را صرفاً ساخته ذهن غیرمادی می‌دانند، بنابراین، آنها را نیز باید در زمره یگانه‌انگاران دانست. در این میان، عده‌ای نیز معتقدند که سیستم شناختی ما قادر به درک ماهیت آگاهی نیست، بنابراین، آن را باید جزء اسرار دانست. این عده خود را از تلاش برای تبیین ماهیت ذهن و آگاهی و رابطه آن با مغز رها می‌سازند، زیرا دستیابی به چنین شناختی را ناممکن می‌دانند. این عده اسرارانگار نام دارند، ولی آنها نیز همچنان با این سؤال روبه‌رو هستند که ذهن چیست، ماهیت آگاهی چیست و چه رابطه‌ای با مغز دارد.

به هر صورت، فلاسفه مسلمان ذهن و آگاهی را از تجلیات روح آدمی و پدیده‌ای غیر مادی می‌دانند و دوگانه‌انگارند. از سوی دیگر، صدرالمتألهین ماهیت نفس را براساس نظریه حرکت جوهری خود به گونه‌ای تبیین کرده است که قرابت خاصی با دیدگاه نوخاسته‌گرایی در فلسفه ذهن معاصر دارد. صدرالمتألهین روح را «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء»

می‌داند، به‌نحوی که در مسیر حرکت جوهری ماده ظهور می‌یابد. بدین ترتیب، براساس حکمت متعالیه صدرالمآلهین، می‌توان ذهن و آگاهی را غیر مادی ولی برخاسته از مغز مادی دانست که در سیر جوهری آن پدیدار می‌گردد و ماهیتی مستقل از مغز مادی می‌یابد. کتاب حاضر مروری اجمالی بر دیدگاه‌های فلسفی مختلف درباره آگاهی است و برای خوانندگانی نوشته شده است که حوزه تخصصی آنها فلسفه نیست، ولی علاقه‌مندند از نظریه‌های مختلفی که در فلسفه ذهن درباره ماهیت آگاهی ارائه شده است اطلاع یابند، بنابراین، برای دانشجویان و علاقه‌مندان به فلسفه ذهن بسیار مفید است. نویسنده کتاب، دیوید پاپینیو، استاد فلسفه در کینگزکالج لندن و از چهره‌های شناخته شده در این حوزه است و بر موضوع مورد بحث کتاب تسلط کامل دارد. تصاویر کتاب از هوارد سلینا است. سبک نگارش کتاب و مصور بودن آن درک مسائل فلسفی را آسان‌تر کرده و کتاب را برای خوانندگان عمومی مطبوع ساخته است.

در ترجمه کتاب سعی شده است تا، حد امکان، اصطلاحات و تعابیر رایج در این حوزه به فارسی برگردانده شوند. البته، مترجم، در این مسیر، با دشواریهایی نیز روبه‌رو بوده است، بنابراین برای کسب اطمینان از صحت معادلهای فارسی و توضیح برخی از نکات مبهم از همکاری دکتر رضا ملیح، استاد فلسفه ذهن در دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات)، بهره بسیار برده است. همچنین، ایشان زحمت ویرایش علمی کتاب و تنظیم یادداشتهای پایان کتاب را بر عهده داشته‌اند که از زحمات ایشان صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنم. علاوه بر این، دکتر علیرضا قائمی‌نیا عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی کتاب را با دقت مطالعه و نکاتی را از منظر فلسفه اسلامی به بخش یادداشتهای پایانی کتاب افزوده‌اند که از محبت ایشان کمال تشکر را دارم. کتاب حاضر به عنوان کتابی ساده و اولیه در زمینه مکاتب و نظریه‌های مختلف در باب آگاهی می‌تواند برای دانشجویان و علاقه‌مندان به فلسفه ذهن مفید واقع گردد.

سیدکمال خرازی